



خاطرات سردار ظفر

۳۲

داستان جنگ گورنه شلیل . تفصیل این اجمال آنست که سردار سپه وزیر جنگ (اعلیحضرت پهلوی) سیصد نفر نظامی برای خوزستان فرستاد که از راه بختیاری بروند خوزستان . نظامیان آمدند دهکرد . در این وقت خبر رسید که اسماعیل آقای سمینقودر کردستان بقوه عثمانیها علم طغیان برافراشته و قوای دولتی را که از مرکز برای سرکوبی او رفته بودند قلع و قمع کرده از اینسو نظامیان که وارد دهکرد شدند بنای رجزخوانی و حماسه سرائی گذاشتند که کجائید سواران دلیر بختیاری که می گفتند نظامیان نبایستی بخاک بختیاری بیایند و بخوزستان بروند . از اینگونه سخنان اهانت آمیز بسی گفتند . از چهار محال هم خبر میدادند که نظامیان در حق بختیاریها سخنان زشت میگویند و راه خلاف می بویند .

علی الجمله نظامیان از شلمزار گذشتند بی اینکه کسی را نزد خوانین بفرستند و خبر کنند که در خاک شما آمده می خواهیم برویم خوزستان . خوانین را خون ایلیت بجوش آمده بدبختی هم دامنگیر آنها شد جمع شده مشورت کردند و گفتند چون نظامیان بی اعتنائی و اهانت بما کردند نباید بگذاریم سالم از خاک بختیاری بگذرند . یکی از جمله خوانین هم من بودم که راءای دادیم که بفرستند سر راه بر آنها بگیرند و بگذرند و تمام را خلع سلاح کنند ولی کسی را از نظامیان نکشند . خوانین هم دو نفر آدم بی دانش را که یکی گودرز احمد خسروی گماشته سردار فاتح بود و دیگری میرزا حسنقلی یتیم منشی امیر مجاهد بود ماء مور کردند بروند سر پل شالور را بگیرند باسم بهمه ها و نگذارند نظامیها بگذرند . درین بین من وقایع را به امیر حسینخان نوشتم او در جواب نوشت ایدا اقدام بچنین کاری نکنید که برای شما خطر دارد . نوشته امیر حسینخان وقتی رسید که امیر مجاهد کسار را

یکسره کرده بود و تیر از شست و کار از دست بیرون رفته بود و قضا کار خود را کرد .

قضا چون ز گردون فروهشت پر - همه عاقلان کور گردند و کور

سه چیز باعث این کار شد

یکی اتحاد بختیاری با عرب .

دوم بی اعتنائی و بدگفتن نظامیان بخوانین بختیاری .

سوم خیر کردستان و جنگ اسماعیل آقا سمیتقو با دولت .

امیر حسینخان که هنوز سال عمرش از بیست و پنج نگذشته بود خطر این کار را از پیش میدید و ما هیچ آگاه نبودیم . خداخانه سردار اقدس و امیر مجاهد را خراب کند که اگر ما اتحاد با او نکرده بودیم هرگز چنین کاری نمیکردیم ولی چکنیم که سرنوشت چنین بود و بایستی بشود . قضا نوشته نشاید سترد .

بدتر از همه این بود که انگلیسها به صمصام السلطنه سردار جنگ گفته بودند که سه نگذارید نظامیان از راه بختیاری به خوزستان بروند . نظامیان هم از طعنه و تمسخر کوتاهی نکرده بودند می گفتند ما خیال میکردیم اگر وارد خاک بختیاری بشویم چنین و چنان خواهد شد . پس کجا رفتند این خوانین که کوس لمن الملک میزدند . خوانین هم به ماء مورین دستور نداده بودند که نظامیان را بکشند . گفته بودند آنها را خلع سلاح کنند ماء مورین بر خلاف رفتار کرده بودند . علی الجمله وقتی ماء مورین خوانین گردنه های شلیل و پل عمارت را گرفتند به نظامیان یورش بردند . نظامیان هم برای جنگ آماده شدند . چهار نفر از بختیاریها کشته شدند . دوازده نفر هم از نظامیان کشته شدند جای نظامیها بد بود و راههای آنجا را هم نمیدانستند تمام دستگیر شدند و اسب و اسلحه و توپخانه و سایر اسبابهای آنها هر چه بود بدست بختیاریها افتاد و این کار نابهنگام بختیاری را بدنام و خدمات چندین ساله آنها را هبا و هدر کرد و منفور عامه هم شدند . دولت هم یکصد و پنجاه هزار تومان خسارت از خوانین گرفت و اتباع و بستگان خوانین را جری و جسور کرد و از حکومت خوانین موضوع و مجزی کرد و با اینکه بیش ازین بایستی بختیاریها را کفر بدهد و خوانین را ازین زیادتر بسزای کردار زشت دهد باز هم سردار سپه با ما خوانین درکمال عطف و مهربانی رفتار می کند و عنایات شاهانه و مرحمتهای ملوکانه را از ما سلب نکرده است .

باری وقتی که ما کار نظامیان را باین طریق انجام دادیم به سردار اقدس پیغام دادیم که اینک نوبت توست . او هم بی درنگ حاکم خوزستان را بیرون کرد . حاکم رفت بغداد و از آنجا به تهران رفت . صمصام السلطنه نوشت کار اسماعیل آقا سمیتقو تمام شد و اردوی دولت خواهد آمد به بختیاری . شما راهها را خراب کنید . ما هشتصد سوار حاضر کردیم

سردار جنگ هم وکیل بختیاری بود از تهران با دو نفر صاحب منصب برای جمع کسردن اسلحه و توپها به دهکرد آمدند . سه هزار تومان بآن دو صاحب منصب دادیم که خبر خوب بدولت بدهند . آنها هم خبر خوب دادند ولی کجا فایده میکرد و کی می شنید . خیانت ما آشکار شده بود امیر حسینخان هم با عیالش که سخت بیمار بود در آن موقع تنگ اصفهان رفتند . نظامیان هم توپ و مقداری تفنگ و چیزهای دیگر را گرفته رفتند اصفهان . ما هم سوارها را مرخص کردیم .

در اینوقت احمد شاه از فرنگستان برگشته از راه بوشهر وارد خاک ایران شد . سردار سپه و وزیر جنگ هم برای استقبال از تهران آمد اصفهان که برود شیراز سردار جنگ و امیر مجاهد را فرستادیم اصفهان خدمت وزیر رسیدند فرمود . چرا ایلخانی و ایلبگی نیامدند عرض کردند هنگام مراجعت به اصفهان خواهند آمد . با چند سوار بیایند ؟ . وزیر جنگ فرمود صد سوار بس است .

وزیر جنگ رفت شیراز . خوانین آمدند چهار محال . هنگام بازگشتن وزیر جنگ امیرمفخم و من و سردار جنگ بادویست سوار آمدیم قمسه چند روز ماندیم نظامیان خواستند بختیاری را خلع سلاح کنند یعنی اسلحه آنها را بگیرند ما قبول نکردیم حکم شد با اسلحه باشند از قمسه تا دو فرسنگ استقبال رفتیم احمد شاه با کمال بشاشت و خوشروئی ما را پذیرفت اتومبیل را نگاهداشته پیاده شد از ما احوالپرسی کرد ولی وزیر جنگ پیاده نشد در اتومبیل احوالپرسی کرد . صارم الدوله خاکم فارس هم همراه شاه بود . (ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱۳۲

پرتال جامع علوم انسانی

احتیاط و ایمنی اکثر اوقات ایجاب مینماید که حتی در داخل سازمان سری تا آنجا که میسر است اخبار مهم و موضوعات فوری بسیار سری را محرمانه تلقی نموده و از دسترس هرکسی بدور نگهداشت و بدین منظور این قبیل امور و ابتکارات بایستی به عده معدودی که خبره اینکار هستند و صلاحیت و دقت اینگونه امور حیاتی را دارند واگذار گردد . البته این بدان معنی نیست که اخبار بسیار مهم نگاهداشته شود تا وقتی که امکان ارائه و بحث و گفتگوی آن بارتیس سازمان یا رؤسای دیگر دست دهد ، زیرا جنبه فوریت اینگونه مسائل را نیز نباید از نظر دور داشت .

بنابراین در عین مراقبت و سری نگاهداشتن اسرار مهم بایستی ترتیبی داده شود که حتی از نظر بررسی و تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از اولویت خاصی برخوردار باشد .



انجمن توان بخشی

وابسته وزارت بهداری و بهزیستی

آگهی استخدام

انجمن توان بخشی وابسته وزارت بهداری و بهزیستی جهت تکمیل کادر مورد نیاز خود به تعدادی لیسانسیه که خدمت وظیفه خود را انجام داده یا دارای برگ معافیت دائم باشند احتیاج دارد از واجدین شرایط دعوت بعمل میآید همروزه با استثنای روزهای تعطیل به کارگزینی انجمن توان بخشی واقع در خیابان شاهرضا - بین کالج و ویلا کوی سرشار شماره ۳۴ ساختمان شماره یک مراجعه نمایند .

شرکت سهامی شیلات جنوب ایران

انواع ماهی های مرغوب و خوش طعم خلیج فارس و دریای عمان را که بلافاصله پس از صید در دریا منجمد و با شرایط کامل بهداشتی به سردخانه های مراکز مصرف حمل و نگهداری و هر موقع از انجماد خارج شود همانند ماهی تازه است به ملت ایران عرضه مینماید .
قیمت انواع ماهی ها هر کیلو از ۱۲۰ ریال تا ۵۵۰ ریال در فروشگاه های اختصاصی شرکت - سوپرمارکت ها - نمایندگی های فروش و فروشگاه های سیار در اختیار مصرف کنندگان است .
به توزیع کنندگانی که بیش از یک تن خریدار باشند و در سردخانه ها تحویل بگیرند ۱۵% تخفیف داده میشود .

شرکت شیلات جنوب نسبت به ماهی های غیرمجاز و قاچاق که با شرایط نامناسب بیابازار مصرف عرضه میشود مسئولیتی ندارد .